

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صفحات ۱۱۳-۱۲۷

عوامل اثرگذار بر مهاجرت روستایی ناشی از خشکسالی: یک مطالعه موردی در استان فارس

مرضیه کشاورز، عزت‌اله کرمی، و عبدالعلی لهسایی‌زاده*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲

چکیده

اگرچه مهاجرت یکی از پیامدهای خشکسالی قلمداد شده، اما شمار پژوهش‌های انجام‌شده در راستای تبیین اثرات مهاجرت‌های ناشی از خشکسالی اندک است. از این‌رو، پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش کیفی و داده‌های اسنادی مربوط به یکی از روستاهای دهستان خسویه در استان فارس، به بررسی فرآیند مهاجرت ناشی از خشکسالی و عوامل اثرگذار بر آن در سال ۱۳۸۹ می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، اقتصادی و اجتماعی موجب مهاجرت دائمی خانوار می‌شوند؛ عوامل طبیعی و اقتصادی زمینه مهاجرت موقت را نیز فراهم می‌سازند؛ همچنین، تصمیم‌گیری برای مهاجرت به‌طور ناگهانی صورت نمی‌گیرد، بلکه برآمده از ناکارایی سایر گزینه‌هاست. سرانجام آنکه علی‌رغم رویارویی مهاجران با دشواری‌های اقتصادی، عاطفی و اجتماعی، مهاجرت همچنان یک راهبرد سودمند قلمداد می‌شود. بنابراین، توصیه می‌شود که برنامه‌ریزان به تسهیل فرآیند سازگاری با خشکسالی از طریق آموزش بپردازند و جریان مهاجرت‌های روستایی را به‌سوی مناطق برخوردار از ظرفیت مناسب برای اشتغال‌زایی هدایت کنند.

* به‌ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار گروه کشاورزی دانشگاه پیام نور (keshavarzmarzieh@pnu.ac.ir)؛
استاد ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز؛ و استاد جامعه‌شناسی روستایی دانشگاه شیراز.

کلیدواژه‌ها: خشکسالی / مهاجرت از روستا به شهر / مهاجرت موقت / مهاجرت دائم / خسویه (دهستان) / زرین‌دشت (شهرستان) / فارس (استان).

* * *

مقدمه

برای بسیاری از خانوارهای کشاورز ساکن در کشورهای در حال توسعه، خشکسالی تهدیدی جدی به‌شمار می‌رود. این پدیده نه تنها به کاهش تولیدات کشاورزی و تخریب منابع طبیعی می‌انجامد، بلکه معیشت و رفاه خانواده‌های روستایی را نیز به مخاطره می‌اندازد (کشاورز و همکاران، ۱۳۸۹). به همین دلیل، مهاجرت یکی از راهبردهای متداول مقابله با اثرات ناشی از این پدیده محسوب می‌شود (رضایی و همکاران، ۱۳۸۹؛ صالح و مختاری، ۱۳۸۶؛ فاطمی و کرمی، ۱۳۸۹؛ Edwards et al., 2008; Horridge et al., 2005; Speranza et al., 2008).

معدود مطالعات مربوط به مهاجرت‌های ناشی از خشکسالی از طریق تلفیق نتایج به‌دست آمده از پیمایش‌های بزرگ‌مقیاس، پایگاه‌های اطلاعات زیست‌محیطی و روش‌های چندمتغیره انجام شده‌اند (مانند Halliday, 2006). در حالی که ماهیت این‌گونه مهاجرت‌ها پیچیده و پویاست و تصمیم‌گیری برای انجام آن به‌ندرت در پاسخ به یک محرک خاص صورت می‌گیرد (McLeman and Smit, 2006). از سوی دیگر، در سال‌های اخیر، تمرکز بر رابطه مهاجرت و محیط زیست افزایش یافته (Hunter et al., 2003)، اما در شماری اندک از چارچوب‌های کلاسیک مهاجرت، به عوامل زیست‌محیطی توجه شده و میزان بهره‌گیری از این نظریه‌ها در مطالعات تجربی نیز کمتر بوده است. بنابراین، هنوز یک چارچوب نظری یا مفهومی مناسب برای شناخت رابطه موجود میان مهاجرت و تغییرات زیست‌محیطی نظیر خشکسالی در دست نیست (Hay and Beniston, 2001). بدیهی است که دستیابی بدین شناخت در گرو ایجاد درکی عمیق از پدیده مهاجرت در شرایط خشکسالی است. از این‌رو، پژوهش حاضر به بررسی فرآیند مهاجرت روستایی ناشی از خشکسالی و عوامل اثرگذار بر آن می‌پردازد.

ادبیات تحقیق

برخی پژوهش‌ها بر جست‌وجوی شواهدی از تأثیر پدیده‌های زیست‌محیطی بر مهاجرت متمرکز شده‌اند (Gray and Mueller, 2012). بر مبنای این مطالعات، خانوارهای روستایی گزیدارهای چندانی برای مقابله با تغییرات زیست‌محیطی در اختیار ندارند (برای نمونه، Myers, 2002). با این همه، در مطالعات اخیر، نقش عوامل انسانی، موانع مهاجرت، و عوامل اقتصادی و اجتماعی در تبیین پدیده مهاجرت مهم قلمداد شده است (Laczko and Aghazarm, 2009). به همین دلیل، برخی پژوهشگران مهاجرت‌های ناشی از مسائل زیست‌محیطی نظیر خشکسالی را در قالب یک طیف در نظر گرفته‌اند. بر این اساس، آن دسته از افرادی که با تخریب‌های تدریجی ناشی از خشکسالی مواجه می‌شوند، حق انتخاب بیشتری برای تصمیم‌گیری در زمینه ماندگاری یا مهاجرت دارند. در عین حال، در مواردی که خشکسالی بسیار شدید و همراه با پیشروی سریع است، مهاجرت اغلب تنها راهبرد خانوار برای بقا تلقی می‌شود (Bates, 2002). از سوی دیگر، برخی اندیشمندان بر این باورند که خشکسالی حاصل تغییر تدریجی اقلیم و محیط زیست است؛ از این رو، معمولاً تصمیم‌گیری برای مهاجرت به‌مثابه یک تصمیم‌گیری عمدی و اختیاری تلقی می‌شود که در آن، فرد یا خانوار مهاجر با محاسبه هزینه‌ها و منافع نسبی مهاجرت و همچنین، با توجه به عواملی نظیر ادراکات یا ویژگی‌های شخصی، تصمیم به مهاجرت می‌گیرد (مانند: Meze-Hausken, 2000).

حداقل در هفت پژوهش، پیامدهای ناشی از تأثیرات خشکسالی بر مهاجرت به‌صورت کمی بررسی شده است. بر اساس مطالعه فایندلی (Findley, 1994) در کشور مالی، وقوع خشکسالی بر میزان مهاجرت‌های موقت و نیز مهاجرت زنان و کودکان افزوده است، در حالی که نتایج حاصل از مطالعه هنری و همکاران (Henry et al., 2004) در بورکینافاسو نشانگر کاهش مهاجرت زنان است. همچنین، مطالعه مونشی (Munshi, 2003) نشان می‌دهد که با وقوع خشکسالی در مکزیک، مهاجرت‌های بین‌المللی کاهش یافته است. با این حال، گری و بیلزبارو (Gray and Bilsborrow, 2010) بر افزایش نرخ مهاجرت‌های بین‌المللی در اکوادور تأکید کرده‌اند. از سوی دیگر، بر اساس بررسی تاریخی انجام‌شده

توسط گاتمن و همکاران (Gutmann et al., 1998 in: McLeman and Smit, 2006) و مکلمان و اسمیت (McLeman and Smit, 2006)، کشورهایی که در دهه ۱۹۳۰ با خشکسالی‌های بیشتر و گسترده‌تر مواجه بوده‌اند، میزان خالص مهاجرت در آنها بیشتر بوده است. در این میان، برخی صاحب‌نظران معتقدند که نمی‌توان رابطه علت و معلولی مستقیم میان خشکسالی و مهاجرت را در نظر گرفت. مز-هاسکن (Meze-Hausken, 2000) در مطالعه خود در مناطق خشک اتیوپی بدین نتیجه رسیده است که باید مهاجرت را از پیامدهای غیرمستقیم خشکسالی دانست.

در مجموع، تنوع یافته‌های حاصل از مطالعات پیشین نه‌تنها نشانگر پیچیدگی ماهیت مهاجرت در خلال خشکسالی بلکه مؤید این واقعیت است که این فرآیند به‌خوبی شناخته نشده است. به همین دلیل، انجام مطالعات جامع و عمیق در زمینه مهاجرت‌های ناشی از خشکسالی بسیار اهمیت دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع کاربردی است و راهبرد کلی آن پژوهش کیفی بوده و در آن، از روش مطالعه موردی در قالب طرح تحقیق استفاده شده است. بدین منظور، با استفاده از طرح تحقیق چندموردی (Yin 2003)، مطالعه خانوارهای روستایی مهاجر انجام شده است. نخست، استان فارس به‌عنوان منطقه پژوهش در نظر گرفته شد. سپس، با بهره‌گیری از شاخص‌های اقلیمی، هواشناسی، هیدرولوژیک و کشاورزی، نسبت به انتخاب روستایی در دهستان بحرانی خسویه، از توابع بخش مرکزی شهرستان زرین‌دشت اقدام شد. انتخاب روستای مورد مطالعه از طریق انجام مشاهده میدانی و مصاحبه عمیق با کارشناسان مدیریت جهاد کشاورزی و صندوق بیمه محصولات کشاورزی شهرستان یادشده صورت گرفته که به دلیل سپردن تعهد اخلاقی به مصاحبه‌شوندگان، از ذکر نام روستای مورد نظر خودداری شده است. افراد یا خانوارهایی که نسبت به مهاجرت موقت (شامل ۱۹۹ نفر) یا مهاجرت دائم (شامل پنجاه خانوار) از روستا اقدام کرده بودند، جامعه آماری پژوهش را تشکیل داده‌اند.

پس از تهیه فهرست مشخصات خانوارهای مهاجر و گروه‌بندی آنها بر اساس نوع شغل سرپرست خانوار و میزان آسیب‌پذیری از خشکسالی (کشاورز و همکاران، ۱۳۸۹)، نسبت به انتخاب هدفمند خانوارهای مورد مطالعه اقدام شد. بدین ترتیب، مطالعه روی یازده خانوار مهاجر دائم و هجده خانوار مهاجر موقت صورت گرفت. انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه تا بدان جا استمرار یافت که اشباع نظری حاصل شد. همچنین، گردآوری داده‌های پژوهش از طریق انجام مصاحبه عمیق و بررسی داده‌های اسنادی صورت گرفت. بدین منظور، با مراجعه به شهرستان محل اقامت خانوارهای مهاجر دائم، مصاحبه حضوری با آنها انجام شد. بررسی مهاجران موقت نیز از طریق مصاحبه حضوری یا تلفنی صورت پذیرفت.

یافته‌ها

در این بخش، ابتدا به بررسی اثرات خشکسالی بر روستای مورد مطالعه می‌پردازیم و سپس، با تشریح مهاجرت‌های دائم انجام‌شده در چند دهه اخیر، عوامل اثرگذار بر مهاجرت‌های موقت و دائم روستایی واکاوی می‌شود؛ آنگاه به تشریح فرآیند تصمیم‌گیری، چالش‌ها و فرصت‌های ایجاد شده در اثر مهاجرت خواهیم پرداخت تا از این رهگذر، امکان شناختی جامع در زمینه مهاجرت‌های ناشی از خشکسالی فراهم آید.

اثرات خشکسالی اخیر (۸۸-۱۳۸۲) بر منابع تولید روستای مورد مطالعه

معیشت ۷۱ درصد از مردم روستا از طریق کشاورزی تأمین می‌شود، اما مروری بر داده‌های هواشناسی نشان‌دهنده کاهش ۵۲/۳ میلی‌متری بارش است. همچنین، آمار ۳۷ ساله ایستگاه هیدرومتری منطقه نشانگر خشک شدن رودخانه و چشمه‌های تأمین‌کننده آب کشاورزی روستا در طول خشکسالی قبلی (۸۰-۱۳۷۶) بوده که به افزایش روند حفر چاه‌های کشاورزی انجامیده است (افزایش چهارصد درصدی در مقایسه با دوره ۲۲ ساله)؛ با این همه، وجود موانع طبیعی مانند بالا بودن سطح آب سفره آبرفتی به کاهش آب

قابل استحصال از طریق منابع زیرزمینی و کاهش بهره‌وری کشاورزی منجر شده، به گونه‌ای که در سال زراعی ۸۸-۱۳۸۷، سطح زیر کشت دو محصول گندم و پنبه، به ترتیب، ۲۷/۳۷ و ۵۲/۲۱ درصد کاهش یافته است. میزان عملکرد این محصولات نیز به ترتیب، ۲۰/۵۵ و ۴۵/۰۲ درصد کاهش یافته است. تنزل شدید منابع تولید نه تنها موجب افزایش تنگناهای اقتصادی و معیشتی شده بلکه با کاهش فرصت‌های شغلی درون روستا، زمینه افزایش مهاجرت‌های روستایی را فراهم ساخته است.

روند مهاجرت‌های دائم خانوارهای روستایی

برای بررسی روند مهاجرت در ۳۱ سال اخیر، این دوره به سه مقطع تقسیم‌بندی می‌شود. در مقطع زمانی اول (۷۱-۱۳۵۷) که دربرگیرنده دو رویداد مهم پیروزی انقلاب اسلامی و وقوع سیل در ۱۳۶۶ است، تنها چهارده خانوار روستایی اقدام به مهاجرت کرده‌اند؛ این در حالی است که وقوع سیل موجب ویرانی کامل روستا و جابه‌جاسازی آن شده بود. علاوه بر آن، در این مقطع زمانی، تنها کارمندان و صاحبان مشاغل غیرکشاورزی اقدام به مهاجرت کرده‌اند. مقطع دوم (۸۰-۱۳۷۲) نیز مشتمل بر دو رویداد مهم واگذاری اراضی کشاورزی و منابع طبیعی در ۱۳۷۲ و وقوع خشکسالی در خلال سال‌های ۸۰-۱۳۷۶ است. اتکای بخش کشاورزی به منابع آب زیرزمینی موجب شده که تنها شانزده خانوار غیروابسته به کشاورزی مهاجرت کنند. وجه تمایز مقطع سوم (۸۸-۱۳۸۲) وقوع خشکسالی بسیار شدید و مستمر بوده، به گونه‌ای که این پدیده به خشک شدن جریان آب سطحی، کاهش شدید منابع آب زیرزمینی، و افزایش ۲۱۲/۵ درصدی مهاجرت انجامیده است؛ همچنین، ساختار شغلی مهاجران دستخوش تغییر شده، کشاورزان و کارگران نیز اقدام به مهاجرت کرده‌اند. از سوی دیگر، در تمامی مقاطع مورد بررسی، مهاجرت به شهرستان‌های هم‌جوار بیشترین فراوانی را داشته است (جدول ۱).

جدول ۱- بررسی تعداد، ساختار شغلی و مقصد مهاجرت دائم خانوار روستایی*

سال‌های	سال‌های	سال‌های	شرح
۱۳۸۲-۸۸	۱۳۷۲-۸۱	۱۳۵۷-۷۱	
۵۰	۱۶	۱۴	تعداد خانوارهای مهاجر
۱۲	۰	۰	کشاورز
۱۱	۰	۰	کارگر
۲۷	۱۶	۱۴	سایر (مانند کارمند)
۴	۰	۰	روستاهای هم‌جوار
۴۳	۱۴	۱۳	شهرستان‌های هم‌جوار
۳	۱	۱	مرکز استان
۰	۱	۰	خارج از کشور

* روستای مورد مطالعه دارای ۳۱۷ خانوار ساکن است.

منبع: یافته‌های پژوهش

عوامل اثرگذار بر مهاجرت موقت و دائم روستایی در خلال خشکسالی اخیر

بررسی داده‌های مهاجرت موقت نشان می‌دهد که دو ویژگی جنسیت و سن نقشی به‌سزا در شکل‌گیری مهاجرت داشته‌اند، به‌گونه‌ای که ۸۴/۲ درصد از این مهاجران مرد بوده‌اند و میانگین سن آنها ۲۳/۲ سال است. بررسی مقایسه‌ای مقصد مهاجرت‌های موقت و دائم نیز نشانگر تمایل مهاجران دائم به سکونت در شهرستان‌های هم‌جوار است؛ اما بیشتر مهاجران موقت به شهرهای صنعتی و خدماتی عزیمت کرده‌اند. این یافته نشانگر متمایز بودن عوامل برانگیزاننده مهاجرت موقت و دائم است که بر مبنای جدول ۲، به پنج دسته کلی عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، طبیعی، انسانی، و نگرشی تقسیم شده‌اند.

جدول ۲- عوامل اثرگذار بر مهاجرت موقت و دائم ساکنان روستای مورد مطالعه

عامل	اثر عامل* بر مهاجرت موقت (n=۱۸)	اثر عامل* بر مهاجرت دائم (n=۱۱)
فقر اقتصادی	۰/۸۳	۰/۴۴
کاهش تولید کشاورزی	۰/۶۰	۰/۴۱
بیکاری اعضای خانوار	۰/۶۰	۰/۵۸
جست‌وجوی فرصت‌های شغلی جدید	۰/۳۲	۰/۶۰
افزایش بدهی‌های کشاورزی خانوار	۰/۳۴	۰/۱۰
بزرگ بودن بعد خانوار	۰/۵۶	-
وابستگی معیشت به کشاورزی	۰/۴۸	-
عدم وابستگی درآمدی به کشاورزی	-	۰/۵۳
کاهش نقدینگی و فرصت‌های درآمدزایی	-	۰/۱۱
برخورداری از امکانات آموزشی	۰/۰۸	۰/۳۹
تمایل به افزایش رفاه خانوار	۰/۱۷	۰/۵۱
نداشتن حریم خصوصی	-	۰/۳۹
مهاجرت سایر بستگان و انزوای خانوار	-	۰/۲۴
تضادها و اختلافات قومی	-	۰/۰۵
خشکسالی و بروز بحران آب کشاورزی	۰/۹۷	۰/۹۹
بحران کمی و کیفی آب مصرفی	-	۰/۸۲
موقعیت جغرافیایی روستا	-	۰/۱۷
تحصیلات (متوسطه و بالاتر)	۰/۱۵	۰/۱۱
برخورداری از سلامت جسمانی	۰/۳۳	-
وضعیت تأهل (تجرد)	۰/۳۸	-
برخورداری از تجربه شهرنشینی	-	۰/۱۷
ازدواج برون‌روستایی	-	۰/۱۰
نامیدی از بهبود شرایط روستا	۰/۲۰	۰/۶۹

* اثر عامل می‌تواند بین صفر (عدم تأثیرگذاری) تا یک (تأثیرگذاری زیاد) متغیر باشد. در این راستا، ابتدا وزن هر عامل از طریق تعیین نسبت اولویت اختصاص‌یافته به هر اثر به کل اثرات مورد اشاره توسط پاسخگو محاسبه شد. سپس، شاخص اثر، با توجه به نسبت افرادی که به اثر مربوط اشاره کرده‌اند، به میانگین وزن عاملی اثر محاسبه شد (Quinn et al., 2003).

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های مندرج در جدول ۲، خشکسالی (۰/۹۷)، فقر اقتصادی (۰/۸۳)، کاهش تولید کشاورزی (۰/۶۰)، بیکاری اعضای خانوار (۰/۶۰) و بزرگ بودن بعد

خانوار (۰/۵۶) مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر تصمیم‌گیری برای مهاجرت موقت بوده‌اند. این در حالی است که خشکسالی (۰/۹۹)، بحران کمی و کیفی آب مصرفی (۰/۸۲)، ناامیدی از بهبود شرایط روستا (۰/۶۹)، جست‌وجوی فرصت‌های شغلی جدید (۰/۶۰)، بیکاری (۰/۵۸)، عدم وابستگی درآمدی به کشاورزی (۰/۵۳) و تمایل به افزایش رفاه خانوار (۰/۵۱) از عوامل مهم اثرگذار بر تصمیم به مهاجرت دائم خانوارها بوده‌اند. بنابراین، در حالی که عوامل طبیعی و اقتصادی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده مهاجرت موقت بوده‌اند، نقش مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، نگرشی، اقتصادی، و اجتماعی-فرهنگی در مهاجرت دائم خانوارها تعیین‌کننده بوده است.

فرآیند تصمیم‌گیری برای مهاجرت موقت و دائم ناشی از خشکسالی

اتخاذ تصمیم به مهاجرت دائم برای بسیاری از خانوارهای روستایی دشوار بوده است، به‌گونه‌ای که سه خانوار کشاورز تلاش کرده‌اند تا با بهره‌گیری از راهبردهای فنی نظیر حفر و کف‌شکنی چاه آب، بهبود انتقال آب و کاهش سطح زیر کشت، به مدیریت مزرعه بپردازند؛ اما این راهبردها چندان اثربخش نبوده و از این‌رو، آنها ناگزیر از مهاجرت شده‌اند. از سوی دیگر، کاهش فرصت‌های شغلی درون روستا خانوارهای کارگر کشاورزی را نیز به مهاجرت موقت به مناطق شهری و روستایی واداشته است. بروز مشکلات عاطفی ناشی از دوری از خانواده، دشواری تأمین مسکن در شهر، و لزوم تأمین توأم هزینه‌های فرایند زندگی شهری و روستایی موجب شده است که این افراد نیز نسبت به مهاجرت دائم از روستا اقدام کنند.

فرآیند مهاجرت سایر خانوارها متفاوت بوده است. هر چند، وابستگی عاطفی به خویشاوندان موجب پایبندی کارکنان دولتی به روستا شده، اما بروز بحران آب مصرفی و نیز اصرار اعضای خانواده برای بهره‌گیری از رفاه شهری زمینه را برای مهاجرت این خانوارها مساعد کرده است. صاحبان مشاغل فنی نیز که با کاهش شدید درآمد مواجه شده بودند، ابتدا به مشاغل همچون مسافرکشی روی آوردند، اما فقر اقتصادی ناشی از

خشکسالی موجب کاهش رفت‌وآمد مردم به شهر شده و آنها را ناگزیر از مهاجرت دائم از روستا کرده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که اتخاذ تصمیم به مهاجرت دائم ناشی از خشکسالی به یکباره اتفاق نیفتاده است و بیشتر خانوارها کوشیده‌اند تا با رویکرد به سایر گزیدارها، زمینه ماندگاری در روستا را فراهم سازند؛ اما دشوارتر شدن شرایط زندگی آنها را به مهاجرت سوق داده است. همچنین، ناتوانی مالی بسیاری از خانواده‌ها موجب شده است که آنها با فروش اموال و دارایی‌های خود یا استقراض از دوستان و خویشاوندان، مقدمات مهاجرت را فراهم سازند. از سوی دیگر، تصمیم به مهاجرت موقت از روستا نیز به ناگهان اتخاذ نشده است. در خلال خشکسالی اخیر، ۱۱۶ کارگر کشاورزی ناگزیر از تغییر شغل شده‌اند. مهاجرت سه تن از جوانان روستا به شهرستان‌های بندرعباس و عسلویه را می‌توان سرآغاز مهاجرت موقت بسیاری از جوانان روستا محسوب کرد.

چالش‌های پیش روی مهاجران دائم و موقت

تفاوت‌های موجود میان سبک زندگی شهری و روستایی، و عدم آشنایی افراد با فرهنگ شهرنشینی موجب شده است که بسیاری از مهاجران دائم با مشکلات فراوان روبه‌رو شوند. همچنین، محرومیت از مزایای زندگی روستایی نظیر خدمات بیمه درمانی روستایی، یارانه‌های اساسی، و ناتوانی در نگهداری دام و الزام به خرید فرآورده‌های لبنی به افزایش هزینه‌های زندگی خانوار انجامیده است. علاوه بر آن، تحمیل هزینه‌های انطباق با زندگی شهری (نظیر اجاره منزل مسکونی، تغییر پوشش ظاهری، و بهره‌گیری از سرویس مدارس)، و عدم برخورداری از مهارت‌های حرفه‌ای تأمین معیشت خانوار را دشوار کرده است.

دشواری‌های ناشی از مهاجرت مختص مهاجران دائم نیست و مهاجران موقت نیز با چالش‌های زیادی مواجه‌اند. انزوا، ناامنی عاطفی و افسردگی در میان بسیاری از آنها شایع است. همچنین، امتناع مالکان از اجاره دادن منازل مسکونی خود به مردان مجرد

موجب شده است که بسیاری از آنها از استانداردهای لازم برای داشتن یک زندگی ایمن محروم باشند. رکود اقتصادی و کاهش فرصت‌های شغلی صنعتی و خدماتی نیز به مشکلات آنها دامن زده است.

ادراک مهاجران موقت و دائم درباره منافع حاصل از مهاجرت

مهاجرت را نمی‌توان همواره یک فرصت محدودکننده و تصمیم ناموفق قلمداد کرد. حرفه‌آموزی و بهبود مهارت‌های شغلی و تنوع فرصت‌های اشتغال غیرروستایی موجب شده است که بسیاری از مهاجران، با متنوع‌سازی منابع درآمد، مخاطرات ناشی از رکود اقتصادی را به حداقل برسانند. همچنین، برخی خانوارها که در سال‌های آغازین خشکسالی اقدام به مهاجرت دائم کرده‌اند، موفق به خرید منزل مسکونی و نیز انجام سرمایه‌گذاری در مناطق شهری شده‌اند. برخورداری خانواده‌ها از امکاناتی نظیر آب باکیفیت، گاز شهری، فرصت‌های مناسب آموزشی، مراقبت‌های پزشکی، حریم خصوصی، و امکانات تفریحی نیز از جمله دلایل رضایت‌مندی آنها از مهاجرت است. در عین حال، از دیدگاه برخی مهاجران موقت، بهره‌گیری از دستمزد مناسب، یادگیری مشاغل جدید، آشنایی با مظاهر زندگی شهری، و گسترش روابط اجتماعی - فرهنگی از جمله مزایای مهاجرت محسوب می‌شود.

بر اثر منافع نسبی حاصل از مهاجرت و سازگاری با زندگی شهری، حتی خانواده‌هایی هم که اکنون با مصائب زیادی مواجه‌اند، تمایلی به بازگشت به روستا ندارند، به گونه‌ای که تنها سرپرستان دو خانوار در آرزوی بازگشت به روستا بوده و البته آنها نیز با مقاومت فرزندان خود مواجه شده‌اند. اعضای این خانوارها چنان با زندگی شهری انس گرفته‌اند که این مناطق را زادگاه و موطن اصلی خود می‌پندارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

برخی مطالعات نشان داده‌اند که وقوع خشکسالی به کاهش یا ثبات نرخ مهاجرت می‌انجامد (Gray and Bilborrow, 2010; Findley, 1994)، اما یافته‌های پژوهش

حاضر مبین آن است که خشکسالی نقشی مهم در شکل‌گیری مهاجرت‌های موقت و دائم از روستا داشته است. همچنین، بسیاری از نظریه‌ها نظیر مدل اقتصاد نئوکلاسیک بر نقش عوامل اقتصادی در تبیین رفتار مهاجرت تأکید دارند، اما یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که علاوه بر عوامل اقتصادی، عوامل طبیعی، نگرشی، و اجتماعی نیز در اتخاذ تصمیم به مهاجرت نقش به‌سزا دارند. بنابراین، در سیاست‌گذاری توسعه روستایی و شهری، باید به نقش سازه‌های غیراقتصادی در شکل‌گیری رفتار مهاجرت توجه کافی مبذول شود.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، خانوارها کوشیده‌اند تا با بهره‌گیری از گزیدارهای مختلف، به مقابله با خشکسالی بپردازند؛ اما ناکارایی راهبردهای پیش‌گفته آنها را ناگزیر از مهاجرت ساخته است. بنابراین، باید نهادهای دولتی از طریق آموزش به معرفی راهبردهای اثربخش مقابله با خشکسالی بپردازند تا از این رهگذر، از افزایش مهاجرت‌های روستایی جلوگیری کنند.

برخی صاحب‌نظران (نظیر Adger, 1999) بر این باورند که مهاجرت دائم خانوار می‌تواند پیامدهایی زیانبار برای مناطق مهاجرپذیر داشته باشد. به نظر می‌رسد که سکونت خانوارهای مهاجر در مناطق هم‌جوار و تناسب نسبی فرهنگی آنها با شرایط زندگی در آن شهرستان‌ها تنش‌های احتمالی ناشی از مهاجرت را کاهش داده است؛ همچنین، مهاجرت برخی ساکنان روستا موجب افزایش فرصت‌های شغلی برای دیگر روستانشینان شده و روند تخریب منابع را کند کرده است. بنابراین، نمی‌توان مهاجرت را راهبردی زیانبار تلقی کرد.

با توجه به روند مهاجرت‌های انجام‌شده در سه دهه اخیر، چنانچه بحران خشکسالی استمرار یابد، افزایش مهاجرت روستایی چشمگیر خواهد بود. از این رو، باید نهادهای دولتی با مداخله‌گری‌های مناسب از تخلیه روستاها در اثر خشکسالی جلوگیری کنند؛ اما مهاجرت‌های ناشی از تغییر اقلیم خواه ناخواه اتفاق می‌افتند، و چه بسا مهاجرت برنامه‌ریزی‌نشده و بدون حمایت دولتی موجبات افزایش تضادهای اجتماعی در جامعه

مقصد را فراهم سازد. بنابراین، باید برای سامان‌دهی جریان مهاجرت در شرایط خشکسالی برنامه‌ریزی مناسب صورت گیرد و مسیر مهاجرت به‌سوی مناطق دارای ظرفیت اشتغال‌زایی هدایت شود تا مسائل ناشی از مهاجرت روستایی کاهش یابد.

منابع

- رضایی، ر.؛ حسینی، م.؛ و شریفی، ا. (۱۳۸۹)، «واکاوی و تبیین تأثیر خشکسالی بر مناطق روستایی شهرستان زنجان (مطالعه موردی: روستای حاج آرش)». *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۳۰.
- صالح، ا. و مختاری، د. (۱۳۸۶)، «اثرات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خشکسالی بر خانوارهای روستایی در منطقه سیستان». *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، سال ۳، شماره ۱، صص ۹۹-۱۱۴.
- فاطمی، م. و کرمی، ع. (۱۳۸۹)، «مطالعه موردی واکاوی علل و اثرات خشکسالی». *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، سال ۶، شماره ۲، صص ۷۷-۹۶.
- کشاورز، م.؛ کرمی، ع.؛ و زمانی، غ. (۱۳۸۹)، «آسیب‌پذیری خانوارهای کشاورز از خشکسالی: مطالعه موردی». *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، سال ۶، شماره ۲، صص ۱۵-۳۲.
- Adger, W. N. (1999), "Social vulnerability to climate change and extremes in coastal Vietnam". *World Development*, Vol. 27, No. 2, pp. 249-269.
- Bates, D. C. (2002), "Environmental refugees? Classifying human migrations caused by environmental change". *Population and Environment*, Vol. 23, No. 5, pp. 465-477
- Edwards, B.; Gray, M.; and Hunter, B. (2008), *Social and Economic Impacts of Drought on Farm Families and Rural Communities*. Melbourne: The Australian Institute of Family Studies.
- Findley, S. (1994), "Does drought increase migration? A study of migration from rural Mali during the 1983-1985 drought". *International Migration Review*, Vol. 28, No. 3, pp. 539-553.
- Gray, C. and Bilsborrow, R. (2010), "Environmental influences on outmigration in rural Ecuador". Paper Presented to the Annual

- Meeting of the *Population Association of America*, Dallas, April 15-17.
- Gray, C. and Mueller, V. (2012), "Drought and population mobility in rural Ethiopia". *World Development*, Vol. 40, No. 1, pp. 134-145.
- Halliday, T. (2006), "Migration, risk, and liquidity constraints in El Salvador". *Economic Development and Cultural Change*, Vol. 54, No. 4, pp. 893-925.
- Hay, J. and Beniston, M. (2001), "Environmental change and migration". *Tiempo*. Available on: <http://www.cru.uea.ac.uk/tiempo/portal/archive/issue42/t42a4.htm>. Retrieved at: May 23, 2008.
- Henry, S.; Schoumaker, B.; and Beauchemin, C. (2004), "The impact of rainfall on the first out-migration: A multi-level event-history analysis in Burkina Faso". *Population and Environment*, Vol. 25, No. 5, pp. 423-460.
- Horridge, M.; Madden, J.; and Wittwer, G. (2005), "The impact of the 2002-2003 drought on Australia". *Journal of Policy Modeling*, Vol. 27, Issue 3, pp. 285-308.
- Hunter, L. M.; White, M. J.; Little, J. S.; and Sutton, J. (2003), "Environmental hazards, migration and race". *Population and Environment*, Vol. 25, No. 1, pp. 23-39.
- Laczko, F. and Aghazarm, C. (2009), *Migration, Environment and Climate Change: Assessing the Evidence*. Switzerland: International Organization for Migration.
- McLeman, R. and Smit, B. (2006), "Migration as an adaptation to climate change". *Climate Change*, Vol. 76, No. 1-2, pp. 31-53.
- Meze-Hausken, E. (2000), "Migration caused by climate change: How vulnerable are people in dryland areas? A case study in northern Ethiopia" *Mitigation and Adaptation Strategies for Global Change*, Vol. 5, No. 4, pp. 379-406.

- Munshi, K. (2003), "Networks in the modern economy: Mexican migrants in the US Labor Market". *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 118, No. 2, pp. 549-599.
- Myers, N. (2002), "Environmental refugees: A growing phenomenon of the 21st century". *Philosophical Transactions of the Royal Society*, Vol. 357, No. 1420, pp. 609-613.
- Quinn, C. H.; Huby, M.; Kiwasila, H.; and Lovett, J. C. (2003), "Local perceptions of risk to livelihood in semi-arid Tanzania". *Journal of Environmental Management*, Vol. 68, No. 2, pp. 111-119.
- Speranza, C. I.; Kiteme, B.; and Wiesmann, U. (2008), "Droughts and famines: The underlying factors and the causal links among agro-pastoral households in semi-arid Makueni district, Kenya". *Global Environmental Change*, Vol. 18, Issue 1, pp. 220-233.
- Yin R. K. (2003). *Case Study Research: Design and Methods*. Sage, Thousand Oaks.